

طال الأضداد

١٢١٤٤

# رانشکده علوم حدیث

پایان نامه  
کارشناسی ارشد  
رشته علوم حدیث  
گرایش نهج البلاغه

عنوان پایان نامه  
موانع سلوک و راههای رفع آن از منظر نهج البلاغه

استاد راهنما  
دکتر احمد عابدی

استاد مشاور  
آقای مصطفی دلشاد تهرانی

دانشجو  
اعظم کی پور

۱۳۸۸/۱۱/۲۵

ماه و سال دفاع

شهریور ۱۳۸۷

۱۳۱۲۴۷

تمام حقوق این اثر متعلق به دانشکده علوم حدیث است

باسمہ تعالیٰ

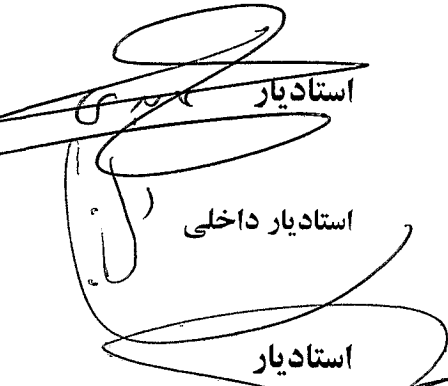
پایان نامہ خانم اعظم کی پور دانشجوی دورہ کارشناسی ارشد رشتہ علوم حدیث  
گرایش نہج البلاغہ تحت عنوان موانع سلوک و راههای رفع آن از منظر نہج البلاغہ

تہیہ و در جلسہ دفاعیہ تاریخ ۸۷/۷/۲۳ با درجہ عالی (۱۸-۲۰) ✓

بسیار خوب (۱۶-۱۸) O خوب (۱۴-۱۶) O ضعیف (۱۲-۱۴) O

غیر قابل قبول (زیر ۱۲) O به تأیید ہیأت داوران رسید.

ھیأت داوران :

سمت	نام و نام خانوادگی	مرتبہ علمی	امضا
استاد راهنما	حجت الاسلام دکتر احمد عابدی	استادیار	
استاد مشاور	آقای مصطفی دلشاد تهرانی	استادیار داخلی	
استاد داور	آقای دکتر بخش علی قنبری	استادیار	

تقریب

آن سفر کرده کہ صد قافلہ دل ہمراہ  
اوست

تقدیر و تشکر:

از استادان گرامی جناب آقای دکتر عابدی و جناب استاد آقای دلشاد تهرانی

و با سپاس فراوان:

از پدر و مادر عزیزم که همواره با تلاش های پی گیر و خستگی ناپذیر خود، یاریگر من در همه امور

زندگی و نیز امر تحصیل بوده اند.

و از همسر مهربانم که مشوق و همراه من در مراحل مختلف تحصیل بود.

## چکیده

در این پایان نامه تلاش شده است با توجه به کلمات گرانبار مولای عارفان علی \_ علیه السلام \_ که در کتاب ارزشمند نهج البلاغه گردآوری شده است، موانعی که بر سر راه سیر و سلوک انسان به سوی هدف غایی او - که همان دستیابی به لقای حق است - قرار می گیرند و او را از رسیدن به هدف خویش بازداشته و مانع موفقیت در طی این راه می شوند، معرفی شده و مورد بررسی و شناسایی قرار گیرد و سپس راههایی برای رفع آن موانع ارائه شود. بر همین اساس، متن حاضر پس از بیان مقدمه، در چهار فصل تنظیم شده است. فصل اول به مفاهیم کلی مرتبط با سیر و سلوک الی الله می پردازد و مطالبی چون مفهوم سلوک و سالک، مقصدی که اهل سلوک به دنبال رسیدن به آن هستند، کیفیت سلوک و منازلی که سالک باید از آن گذر نماید و نیز راهی که موجب سرعت و سهولت در سلوک می شود، را در خود دارد. در فصل دوم این مفاهیم کلی با توجه به نهج البلاغه و کلمات امیرمؤمنان \_ علیه السلام \_ مورد ارزیابی قرار گرفته است، تا دانسته شود نگاه امیرمؤمنان \_ علیه السلام \_ به سیروسلوک و کیفیت این سیر چگونه است و تا چه حد دستورالعمل های سلوکی ارباب سلوک با بیانات امام المتقین \_ علیه السلام \_ همخوانی و هماهنگی دارد.

در فصل سوم که مطالب اصلی و مورد هدف این پایان نامه آغاز می شود، پس از بیان لزوم سلوک تلاش شده است موانع سلوک در پنج بخش موانع فردی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی از کتاب شریف نهج البلاغه استخراج شده و جوانب آن مورد ارزیابی و بررسی واقع شود. با توجه به نهج البلاغه از جمله موانع فردی سلوک جهل است که شتابزدگی بیجا در طی راه سلوک را به دنبال دارد و موجبات افتادن انسان در بدعت ها و شبهه ها و در نتیجه گمراهی او را فراهم می سازد. غفلت، عدم خلوص و فریب های شیطانی از موانع دیگر فردی سلوک هستند که در این تحقیق به آنها پرداخته شده است. هوس مداری که از مظاهر آن پیروی از هوای نفس، طول امل، عصبیت، پرگویی، پرخوری و استفاده از لقمه حرام، عجب و تکبر، حب دنیا، و گناهان و خطاکاری های انسان است، مانع مهم دیگری در موانع فردی می باشد.

موانع اجتماعی سلوک شامل عملکرد نادرست متولیان امر دین در جامعه - که در واقع به بی عملی یا بدعملی کسانی که در جامعه به عنوان عالم دینی شهرت یافته اند، مربوط می شود- و وجود درگیری های اجتماعی است.

از موانع فرهنگی سلوک، وجود فرهنگ منحطی است که بر افکار انسان ها سلطه یافته و خرافات و بدعت هایی است که در اذهان ایشان نفوذ نموده است. موانع سیاسی سلوک به خودکامگی حاکمان و عدم رعایت حقوق مردم توسط ایشان و نیز استفاده ابزاری حکومت از دین مربوط می شود که همه اینها در کنار یکدیگر چهره کریه‌ی از دین و حکومت دینی به نمایش می گذارد. و موانع اقتصادی سلوک فقر و ناداری مردمان و انبوه داری و فزونخواهی ایشان است.

در فصل چهارم نیز همانند فصل سوم با همان بخش بندی پنج گانه راه های رفع موانع از طرق فردی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی مطرح شده و در اختیار قرار گرفته است. از راه های فردی رفع موانع کسب یقظه و بیداری است که راه های حصول آن مراقبه، ذکر و یاد حق، تفکر و عقل گرایی، عبرت گیری، یاد مرگ، و توجه به آخرت و عاقبت گرایی می باشد. راه کارهای فردی دیگر برای رفع موانع سلوک کسب علم و بصیرت، توبه، تربیت نفس، زهد و ترک دنیا، و استعانت از خداوند با دعا، استعانت و یاری خواهی از استاد مناسب و آگاه به راه سلوک و در رأس آن پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و ائمه کرام علیهم السلام، و یاری گرفتن از تقوا می باشد.

راه های اجتماعی رفع موانع همدلی و خیرخواهی افراد جامعه و اتحاد ایشان، وجود آرامش و رضایت در جامعه و رواج امر به معروف و نهی از منکر در آن است. و راه فرهنگی رفع موانع تلاش در جهت اصلاح فرهنگ فاسد می باشد. راه های سیاسی رفع موانع شایسته سالاری در حکومت اسلامی، تبعیت سیاست از دین و گسترش عدالت است. و راه های اقتصادی رفع موانع، توسعه اقتصادی، مبارزه با مفاسد اقتصادی و فراهم کردن شرایطی است که زندگی همه افراد جامعه به حد کفاف برسد و همگان از زندگی آبرومند که نیازهای اصلی ایشان در آن تأمین شده است برخوردار گردند.

### کلید واژه ها:

سیر و سلوک، موانع، مانع، لقاءالله، نهج البلاغه، راه



## فهرست مطالب:

۱.....	مقدمه
۲.....	کلیات تحقیق
۲.....	پیشینه علمی
۳.....	مسائل تحقیق
۳.....	فرضیات تحقیق
۴.....	ضرورتها و اهداف تحقیق
۴.....	فواید علمی و کاربردی تحقیق
.....	
۵.....	فصل اول : سلوک
۶.....	۱-۱- مقدمه
۸.....	۱-۲- سلوک چیست و سالک کیست؟
۱۰.....	۱-۳- مقصد کجاست؟
۱۱.....	۱-۴- راه کدام است؟
۱۳.....	۱-۴-۱- منازل راه
۱۷.....	۱-۴-۲-۱- سیر و سلوک در روش علامه بحرالعلوم
۲۰.....	۱-۴-۲-۲- سیر و سلوک میرزا جواد آقا ملکی تبریزی
۲۲.....	۱-۴-۲-۳- سیر و سلوک در بیان علامه مصطفوی
۲۴.....	۱-۴-۲-۴- سیر و سلوک در بیان آیت الله جوادی آملی
۲۶.....	۱-۵- ضرورت سلوک
۲۸.....	۱-۶- شرط موفقیت در سلوک
۳۰.....	۱-۷- عوامل موثر در سرعت و سهولت سلوک

۳۱	فصل دوم : سلوک در نهج البلاغه .....
۳۲	۱-۲- مقدمه .....
۳۵	۲-۲- راه سلوک در نهج البلاغه .....
۳۵	۱-۲-۲- میانی راه .....
۳۷	۲-۲-۲- مراحل سلوک .....
۵۲	۳-۲- نکات مورد توجه در سلوک .....
۵۷	۳-۲- نقش محبت در سلوک .....
۵۸	۴-۲- لزوم بهره گیری از خرد و تجربه در سلوک .....
۶۰	فصل سوم : موانع سلوک در نهج البلاغه .....
۶۱	بخش اول : ضرورت شناخت موانع سلوک .....
۶۳	بخش دوم: موانع فردی سلوک .....
۶۳	۱-۲-۳- جهل .....
۶۶	۱-۱-۲-۳- افتادن در بدعت‌ها و شبهات .....
۶۹	۲-۱-۲-۳- شتاب زدگی در سلوک .....
۷۴	۲-۲-۳- غفلت .....
۷۷	۱-۲-۲-۳- ریشه‌ها و عوامل غفلت .....
۸۱	۲-۲-۲-۳- آثار غفلت .....
۸۴	۳-۲-۳- عدم خلوص نیت .....
۱۰۱	۴-۲-۳- فریب شیطان .....
۱۰۶	۱-۴-۲-۳- همنشین نامناسب .....
۱۱۱	۲-۴-۲-۳- راهکارهای شیطان .....
۱۱۶	۵-۲-۳- هوس مداری .....
۱۱۶	۱-۵-۲-۳- هوای نفس .....

- ۱۲۱ ..... ۲-۵-۳- درازی آرزو
- ۱۲۷ ..... ۳-۵-۲- تعصب بیجا
- ۱۳۱ ..... ۴-۵-۲- پرگویی
- ۱۳۶ ..... ۵-۵-۲- پرخوری
- ۱۴۱ ..... ۶-۵-۲- لقمه حرام
- ۱۴۵ ..... ۷-۵-۲- تکبر و عجب
- ۱۵۶ ..... ۸-۵-۲- حب دنیا
- ۱۷۳ ..... ۹-۵-۲- گناهان و خطاکاریها
- ۱۸۰ ..... بخش سوم: موانع اجتماعی سلوک
- ۱۸۰ ..... ۱-۳-۳- عملکرد نادرست متولیان دین در جامعه
- ۱۸۲ ..... ۱-۱-۳-۳- عالمان بی عمل
- ۱۸۴ ..... ۲-۱-۳-۳- عالمان بدعمل یا عالم نمایان
- ۱۸۹ ..... ۲-۳-۳- درگیریهای اجتماعی
- ۱۹۲ ..... بخش چهارم: موانع فرهنگی سلوک
- ۱۹۲ ..... ۱-۴-۳- فرهنگ منحط جامعه
- ۱۹۷ ..... ۲-۴-۳- نفوذ خرافات و بدعتها
- ۱۹۹ ..... بخش پنجم: موانع سیاسی سلوک
- ۱۹۹ ..... ۱-۵-۳- خودکامگی حاکمان
- ۲۰۲ ..... ۲-۵-۳- عدم رعایت حقوق مردم توسط حکومت
- ۲۰۵ ..... ۳-۵-۳- استفاده ابزار حکومت از دین
- ۲۰۷ ..... بخش ششم: موانع اقتصادی سلوک
- ۲۰۷ ..... ۱-۶-۳- فقر و ناداری
- ۲۱۱ ..... ۲-۶-۳- انبوه داری و فزونخواهی

- فصل چهارم : راههای رفع موانع در نهج البلاغه..... ۲۱۶
- بخش اول: راههای فردی رفع موانع سلوک..... ۲۱۷
- ۱-۱-۴- کسب یقظه و بیداری..... ۲۱۷
- ۱-۱-۱-۴- راه حصول بیداری..... ۲۲۰
- ۱-۱-۲- آثار بیداری در وجود سالک..... ۲۵۲
- ۱-۲-۴- کسب علم و بصیرت..... ۲۶۲
- ۱-۳-۴- توبه..... ۲۷۶
- ۱-۳-۱-۴- وجوب توبه..... ۲۸۰
- ۱-۳-۲- لزوم تعجیل در توبه..... ۲۸۲
- ۱-۳-۳- پذیرش قطعی توبه..... ۲۸۶
- ۱-۳-۴- آثار و برکات توبه..... ۲۸۷
- ۱-۳-۵- آداب توبه..... ۲۹۱
- ۱-۴-۴- تربیت نفس..... ۲۹۴
- ۱-۴-۱- راه مبارزه با نفس..... ۲۹۶
- ۱-۴-۲- مبادرت به عمل و انجام عبادات..... ۲۹۸
- ۱-۴-۵- ترک دنیا و زهد..... ۳۰۲
- ۱-۵-۱- آثار زهد..... ۳۰۹
- ۱-۵-۲- مراتب زهد..... ۳۱۲
- ۱-۵-۳- راه زهدورزی..... ۳۱۳
- ۱-۶-۱- استعانت..... ۳۱۹
- ۱-۶-۱- دعا و یاری خواهی از خداوند..... ۳۱۹
- ۱-۶-۲- قرآن..... ۳۳۰
- ۱-۶-۳- بهره گیری از استاد در سلوک..... ۳۳۴
- ۱-۶-۴- توسل به پیامبر(صلی الله علیه و آله) و ائمه(علیهم السلام)..... ۳۴۳

۳۴۹	..... تقوا ۴-۱-۶-۵
۳۶۲	..... بخش دوم: راه‌های اجتماعی رفع موانع سلوک
۳۶۲	..... ۴-۲-۱- هم‌دلی و خیرخواهی مردم نسبت به یکدیگر
۳۶۶	..... ۴-۲-۲- وجود آرامش و رضایت در جامعه
۳۷۰	..... ۴-۲-۳- اتحاد
۳۷۲	..... ۴-۲-۴- امر به معروف و نهی از منکر
۳۸۲	..... بخش سوم: راه‌های فرهنگی رفع موانع سلوک
۳۸۲	..... ۴-۳-۱- اصلاح فرهنگ فاسد
۳۸۶	..... بخش چهارم: راه‌های سیاسی رفع موانع سلوک
۳۸۶	..... ۴-۴-۱- شایسته‌سالاری در حکومت
۳۹۱	..... ۴-۴-۲- تبعیت سیاست از دین
۳۹۳	..... ۴-۴-۳- عدالت
۴۰۰	..... بخش پنجم: راه‌های اقتصادی رفع موانع سلوک
۴۰۰	..... ۴-۵-۱- توسعه اقتصادی
۴۰۷	..... ۴-۵-۳- فراهم شدن کفاف در زندگی همه افراد جامعه
۴۱۲	..... نتایج و پیشنهادات
۴۱۵	..... فهرست منابع و مأخذ
۴۱۵	..... فهرست منابع عربی:
۴۱۵	..... فهرست منابع فارسی:
۴۲۱	..... صفحه عنوان عربی
۴۲۲	..... چکیده عربی

چکیده انگلیسی

صفحه عنوان انگلیسی

## مقدمه

همه انسان ها به نوعی گرایش فطری به سوی کمال مطلق که حق جوئی و خداخواهی است دارند و از درون خود میلی به سوی آن احساس می کنند. اما در بسیاری موارد به دلیل شواغل فراوانی که ذهن و قلب بشر را به خود مشغول نموده است، از درک این حقیقت غافل هستند و به نام کمال به دنبال مسائل دیگری از قبیل ثروت، قدرت و عشق های مجازی می روند و چنین اهدافی را در زندگی دنبال می نمایند و این به دلیل موانعی است که در راه درک حقیقت برای چنین کسانی وجود دارد و مانع از فهم درست حقیقت حیات شده است. برخی انسان ها نیز هستند که در گیر و دار روزمره گی ها و مسائل زندگی دنیایی، توانسته اند با الهام از تعالیم آسمانی اسلام چیزی از حقیقت را درک نمایند. اینان برای رسیدن به کمال مطلق و کسب سعادت اخروی و دستیابی به لقای حق تلاش خود را آغاز نموده و به سوی کوی یار در حرکت هستند، اما در طی این راه پر پیچ و خم دچار مشکل شده و توانایی پیشرفت ندارند و یا اگر پیشرفتی در کار باشد بسیار کند و در موارد زیادی ناامید کننده است. به گونه ای که او را از ادامه راه باز می دارد. راه سلوک و حرکت به سوی حق راهی است دشوار و پر از موانع ریز و درشت. چراکه هرچه هدف والاتر و با ارزش تر باشد، راه دستیابی به آن نیز سخت تر خواهد بود. بنابراین انسان باید برای عبور از گردنه های صعب العبور آن، به مسیر عبور و جزئیات آن آشنا باشد و موانعی که هر دم پیش روی او واقع می شود و حرکت او را با خلل مواجه می سازد، بشناسد و به راه های گذر از موانع آگاهی کافی داشته باشد، تا به فضل الهی با موفقیت این راه را طی نموده و به هدف والای خویش نائل شده، به لقای حق دست یابد.

## کلیات تحقیق

انسان در زندگی این دنیا و تا زمانی که مهلت عمر در اختیار اوست، باید زمام خویش را بدست گیرد و در مسیری گام نهد که بزرگان و پیشوایان دین و اولیای الهی در آن گام نهادند و خویشان را به سرمنزل مقصود رساندند. اما سؤال اینجاست که چگونه است که بسیاری از انسانها با وجود تلاش بسیار و با این وجود که عزم خود را در طی این مسیر جزم نموده و برای رسیدن به کمال نهایی از هیچ کوششی دریغ نمی کنند، کاری از پیش نبرده و موفق به طی این مسیر نمی شوند و یا این سیر برای ایشان بسیار کند صورت می گیرد؟ در نهایت مانع ایشان در این سلوک و طی منزلها چیست؟ و چه چیز سد راه ایشان می شود؟ لذا شناخت موانع راه و مانع زدایی از آن از مسایل مهم در این مسیر است. ما در این رساله قصد داریم این موانع را که از جمله آنها گناه، پرخوری، عدم بینش و ... است بیان کنیم. و چه بهتر که در این شناخت از کسانی کمک بگیریم که عالمان طریق سلوک و پیشوایان این وادی پرخطر هستند. لذا بر آن شدیم دست به دامن مولای عارفان، امیرمؤمنان علیه السلام شویم که وجود شریفشان بیانگر افق کمال انسانی و بهترین نمونه عینی حقیقت آدمی در بالاترین مرتبه وجود است و از گفتار ایشان علم طریق سلوک، موانع و راههای مانع زدایی را الهام بگیریم. و در این میان نهج البلاغه را به عنوان گزیده ای از کلمات گرانبار حضرت برگزیدیم تا با تمرکز بر روی آن و کنکاش دقیق در محتوای آن به پاسخ مسائلمان دست یابیم.

## پیشینه علمی

آیت الله جوادی آملی در بخش های اول و دوم کتاب مراحل اخلاق در قرآن که یکی از مجموعه کتب تفسیر موضوعی قرآن ایشان است به برخی موانع عملی و نظری سلوک و راه های مانع زدایی از آن پرداخته اند. علاوه بر اینکه بزرگان این فن در ضمن کتابهای سیر و سلوک و در لابلاهی بحث های مختلف اخلاقی و عرفانی، به برخی موانع سلوک و نیز راه هایی که می توان به مقابله با این موانع رفت، اشاره کرده اند. اما تفاوت این کارها با متن حاضر این است که از جهتی این کارها از منظر نهج البلاغه نبوده است و از جهت دیگر بیشتر این کارها در یک مجموعه مجزا و با یک نگاه جامع به موانع نبوده است و به همین دلیل موانع آن طور که باید در این آثار، شناسایی و مطرح نشده است.

## مسائل تحقیق

این تحقیق برای پاسخگویی به این سؤالات تدوین شده است:

سؤال اصلی این است که موانع برسر راه سلوک انسان چیست که آدمی را از حرکت به سوی خدا باز می

دارد؟ و راههای برطرف نمودن این موانع کدام است؟

اما سؤالات فرعی مورد طرح از این قرار می باشد:

۱. سلوک چیست و برای رسیدن به چه هدفی صورت می گیرد؟

۲. آیا در نهج البلاغه موانع سلوک آدمی مطرح شده است و آیا راه حل هایی برای رفع آن ارایه شده است؟

۳. موانع سیر و سلوک مطروحه از چه سنخی هستند؟

## فرضیات تحقیق

و پاسخی که برای مسائل مطروحه مناسب می باشد از این قرار است:

در پاسخ سؤال اصلی باید گفت که موانع سلوک که در نهج البلاغه نیز مطرح شده است، بسیارند و از جمله

آنها گناه، خودبینی، پرخوری، شتابزدگی، نشناختن راه، گرایش به طبیعت و ... است. و برای رفع این موانع در

کلام امیرمؤمنان علیه السلام راههای گوناگونی ارایه شده است از جمله عبرت گیری برای مبارزه با بینش نادرست

و راهی برای کسب بیداری، یاد مرگ جهت مبارزه با خودبرتربینی و ....

اما در پاسخ به سؤالات فرعی:

۱. حرکت انسان به سوی حق و با هدف رسیدن به لقاءالله سلوک نامیده می شود.

۲. مباحث متنوعی در جهت شناخت موانع سلوک در نهج البلاغه که کلمات گرانبار مولای عارفان را در خود

دارد، به چشم می خورد که در جای جای آن راه حل هایی عملی برای رفع آن ارایه شده است و راهنمای رهروان

این مسیر قرار گرفته است. اصولاً نهج البلاغه از آنجایی که مجموعه ای از کلمات گرانبار امیرمؤمنان علیه السلام



است، کتابی است که حتی در کنار مباحث سیاسی، اقتصادی و ... اهمیت جنبه های انسان سازی آن کاملاً مشهود می باشد و امیرمؤمنان علیه السلام از هر فرصتی برای تربیت و هدایت انسان ها به سوی کمال مطلق استفاده می نموده است.

۳. موانع سیر و سلوک می تواند از سنخ معرفتی باشد یا سلوکی، فردی باشد یا غیر فردی.

### ضرورتها و اهداف تحقیق

حرکت به سوی کمال و سلوک الی الله از مسائل اساسی بلکه مهم ترین مساله آدمی است. لذا انسان باید تا مهلت باقی است و در این دنیا به سر می برد، حرکت را آغاز نموده و خود را به سرمنزل مقصود برساند. اما این راه راهی است پرخطر و پر از موانع و مشکلات. بنابراین اگر به دنبال سیر به مکانی برتر هستیم ناچار نیاز به ره توشه ای علمی داریم تا موانع نظری و عملی سیر و سلوک را به خوبی بشناسیم و با راههای مانع زدایی و مراحل این سیر آشنا شویم.

پس شناخت موانع از ضرورت های موجود در این امر است و این راه را نمی توان طی نمود مگر پس از شناخت موانع و رفع آن.

### فواید علمی و کاربردی تحقیق

اگر این تحقیق به طور جامع صورت گیرد می تواند مجموعه ای باشد در اختیار کسانی که می خواهند قدم در راه سیر و سلوک بگذارند و این مسیر را طی کنند تا از این طریق موانع را شناخته و سعی در دوری از آن نمایند و در صورت مواجهه با آن در صدد رفع آن مانع برآیند، در صورتی که در میانه راه دست و پای خویش را بسته دیدند و خود را از ادامه راه ناتوان، در میان موانع به جستجو بپردازند که آنچه سد راه ایشان در طی طریق شده است را بیابند و خود را از آن خلاص نمایند.

# فصل اول

## سلوک

## ۱-۱ - مقدمه

عرفان یکی از شاخه‌های معرفت بشری است که بخش نظری آن به شناخت حق و اسماء و صفات الهی می‌پردازد<sup>۱</sup> و بخش عملی آن راههای وصول به حقیقت را، در دو وجهه سلب و ایجاب که همان پیراستگی و آراستگی است، ارائه می‌نماید.<sup>۲</sup>

حقیقت عرفان در اسلام از همان ابتدای ظهور حضرت ختم المرسلین در میان مسلمینی که به حقیقت اسلام پی برده بودند، رواج یافت. شرح حالهایی که از اوایل قرن - که از دلدادگان به رسول خدا صلی الله علیه و آله و از اصحاب خاص امیرمؤمنان علیه السلام بود- رسیده است، حکایت از معرفت بالا و سیر و سلوک باطنی او دارد. پس از پیامبر صلی الله علیه و آله نیز امامان بزرگوار شیعه که خود در اوج قله عرفان و مقرب ترین افراد به حق بودند، یکی پس از دیگری عارفانی چون کمیل، مالک اشتر، ابوحمزه ثمالی، شبلی و ... پروریدند که هر یک در دوران خود سرمنشأ برکات بسیاری شدند.

اما عرفان اسلامی به معنای مصطلح آن که علمی است که معمولاً همراه با تصوف مطرح می‌شود، از بدو ظهور که نیمه اول قرن دوم هجری است، با افرادی چون رابعه عدویه (م ۱۳۵) شقیق بن ابراهیم بلخی (م ۱۹۴) و ذو النون مصری (م ۲۴۵) آغاز شد و پس از آن قرن به قرن تکامل یافت. در هر قرن عرفای بزرگی ظهور کردند و به عرفان تکامل بخشیدند و بر سرمایه‌اش افزودند.

---

<sup>۱</sup> طباطبایی، فاطمه، نوگرایی و نوآوری در اندیشه امام خمینی (س)، پژوهشنامه متین، شماره ۲۷، ۱۳۸۴ش، ص ۷۳ به نقل

از مقدمه قیصری بر قصیده تائیه ابن فارض [موضوع هذا العلم هو الذات الاحدیة و نعوته الاذلیة و صفاتها السرمدیة].

<sup>۲</sup> همان، به نقل از ابن سینا [العرفان مبتدی، من: تفریق و نفی و ترک و رفض، ممعن فی جمع هو جمع، صفات الحق،

للذات المریده بالصدق، منته الی الواحد، ثم وقوف].

طبق بیان خواجه عبدالله انصاری اول کسی که در عرفان به رمز سخن گفت، ذوالنون مصری از عرفای قرن سوم بود، جنید بغدادی که او نیز عارف قرن سوم است این علم را مرتب ساخت و بسط داد و کتابها در این علم تألیف کرد، و چون نوبت به ابوبکر شبلی عارف قرن چهارم رسید این علم را به بالای منابع برد.<sup>۱</sup>

ولی در قرن هفتم به دست محی الدین عربی جهش پیدا کرد و به نهایت کمال خود رسید. محی الدین عرفان را وارد مرحله جدیدی کرد که سابقه نداشت. بخش دوم عرفان یعنی بخش علمی و نظری و فلسفی آن به وسیله محی الدین پایه گذاری شد.<sup>۲</sup> او در عرفان عملی نیز قدم راسخ داشته است. «محی الدین» اولین کسی است که عرفان را متفلسف کرده است. یعنی عرفان را به صورت یک مکتب منظم درآورد. مساله «وحدت وجود» که محور عرفان است، اولین بار توسط او بیان گشته و یک شور و غوغای عرفانی در جهان اسلام برپا کرده است.<sup>۳</sup>

از قرن نهم به بعد عرفان شکل و وضع دیگری پیدا می کند. تا این تاریخ شخصیت‌های علمی و فرهنگی عرفانی همه جزء سلاسل رسمی تصوفند، و اقطاب صوفیه شخصیت‌های بزرگ فرهنگی عرفان محسوب می شوند و آثار بزرگ عرفانی از آنها است. از این به بعد شکل و وضع دیگری پیدا می شود. عده‌ای که داخل در هیچیک از سلاسل تصوف نیستند، در عرفان نظری محی الدینی متخصص می شوند که در میان متصوفه رسمی نظیر آنها پیدا نمی شود. و از قرن دهم به بعد ما در جهان شیعه به افراد و گروه‌هایی برمی خوریم که اهل سیر و سلوک و عرفان عملی بوده‌اند و مقامات عرفانی را به بهترین وجه طی کرده‌اند بدون آنکه در یکی از سلاسل رسمی عرفان و تصوف وارد باشند و بلکه اعتنائی به آنها نداشته و آنها را کالا یا بعضا تخطئه می کرده‌اند. از خصوصیات این گروه که ضمنا اهل فقاہت هم بوده‌اند وفاق و انطباق کامل میان آداب سلوک و احکام فقه است.<sup>۴</sup> همانند سید مهدی

---

<sup>۱</sup> مطهری، مرتضی، کلیات علوم اسلامی ۲: کلام-عرفان-حکمت عملی، چاپ سی و یکم، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۸۵ش،

ص ۱۰۹

<sup>۲</sup> همان، ص ۱۱۷-۱۱۸

<sup>۳</sup> مطهری، مرتضی، عرفان حافظ، چاپ چهاردهم، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۷ ش، ص ۱۴-۱۵

<sup>۴</sup> مطهری، مرتضی، کلیات علوم اسلامی ۲: کلام-عرفان-حکمت عملی، چاپ سی و یکم، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۸۵ش،

ص ۱۲۶